

یک ضمیمه بزرگ

# ایران

## درباره مسائل مهم کارگری

یکی از مهم ترین و آینده سازترین رویدادهای هفته های گذشته، در محیط های کارگری، در شوراها و انجمن های اسلامی کارخانه ها و در جلسات وسیع کارگری، به ویژه به مناسبت بحث درباره قانون کاری که آقایان توکل و وزیر کار و مستندرفاهی معاون وی تهیه کرده اند، رخ داده است. این رویدادها نشان دهنده آگاهی طبقاتی است، که نام ضمنی آنرا "ستون انقلاب" و "خراب حسابی انقلاب" نام نهادند. علیه انقلاب ایران و تحکیم و تصحیح آن کشیده شده است، جانانه و به گروانه استادگی می کند.

در آغاز هفته، وزارت کار جلسهای را تدارک دید، تا پیشرویس مبرور را، بدون اطلاع کارگران، به تأیید برساند. بدین منظور به طور خصوصی از عده ای دعوت بعمل آورد. لیکن این اقدام نهنهاتناج دلخواه گردانندگان خط کارگرسیم وزارت کار را به بار نیاورد، بلکه مخالفت جدی شرکت کنندگان در همان جلسه برپوشید. کارگران گفتند: "کارگر و کارفرما در شرایط مساوی نیستند تا در قرارداد تعداد برتری قرار شود." آن ها اساس عمل منتهای وزارت کار را مورد انتقاد قرار دادند. دعوت خصوصی را مردود شمرند و پنهان کردن پیش نویس قانون کار را از کارگران، مغایر با قانون اساسی دانستند. به نوشته روزنامه کیهان: "مدعی اعتراضی کارگران حزب توده ای بلند شد. کارگران قاطعاً مبرور را موقف بهماکتب کردن، اعتراضی کارگران نشد." کارگران از دستزد، از حق بیمه، از حق اولاد دفاع و علیاً خراج ها و لیبزها صحبت کردند. یکی گفت: "وزارت کار اصلاح مسائل را رسیدگی نمی کند و فقط شعار می دهد. بهتر نیست این وزارتخانه تعطیل شود و آنجا را به یک بیمارستان تبدیل کنند!"

پس از آن جلسه، کارگران با آگاهی و هشیاری به طرح مسائل حیاتی خویش پرداختند. به نوشته روزنامه جمهوری اسلامی، کارگران در جلسه کارون های هماهنگی شوراها اسلامی کارخانجات تهران "از خانه کارگر خواستند پیرامون ماده ۳۳ و ۳۴ قانون کار فعلی، که به استناد آن ها کارگران را اخراج می کنند، سؤال شود. در جلسه دعوت اخیر وزارت کار از عده ای از کارگران برای بررسی پیش نویس قانون انتقاد شد و کارگران با استناد به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خواستار مشارکت کلیه کارگران در سرنوشت خود شد و این حرکت سخفانه وزارت کار را محکوم کردند.

در جلسه شورای هماهنگی کارگران کارخانجات جاده قدیم کرج از جلسات بررسی پیش نویس قانون کار و وزارت کار انتقاد و خواستار تشکیل جلسات مشترک بین کارگران برای بررسی رویدادهای کارگری شد.

جلسه هماهنگی کارون های شوراها انجمن های اسلامی کارخانجات جنوب تهران و شهری، به صحبت پیرامون دعوت اخیر وزارت کار جهت بررسی پیش نویس قانون کار پرداخته و از این عمل وزارت کار انتقاد نمودند و خواستار آن شدند که این پیش نویس برای نظرخواهی عمومی کارگران از طریق رسانه های کارگری انتشار یابد.

همانند آن نشاندهنده بسیار راهبیتی از فشار و جری طوقی کارگران از تن بردن به آشنی است، که آقای توکل و همکارانش درصدد پختن آن هستند. نشاندهنده از بیان مستقل خواست های جبهه خویش و از تفکیک بر قانون اساسی، این دست آورد بزرگ انقلاب، با رایزین برهه و به تفکیک و بالاخره تلاش ترسیدن از شانه زور و ارعاب و ترسان "اسلام" است. و این درحالیست که آقای توکل، برای آن که کارگران را در مقابل عمل انجام شده قرار دهد، پیش نویس قانون را، برخلاف معمول پارلمانی، قبل از ارائه به مجلس و تصویب، مستقیماً به شورای نگهبان برده و می خواهد تأییدیه آنرا بگیرد.

"خانه کارگر" به خاطر بررسی قانون و با تکیه بر اصل ۳ بند ۸ قانون اساسی و تأمین مشارکت عده مبرور در تعیین سرنوشت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خویش، از انجمن ها و شوراهای اسلامی کارخانجات دعوت کرد، که روز چهارشنبه جمعه از آنجا ساعت سه تا پنج بعد از ظهر تشکیل دهند. این جلسه با استقبال فراوان روبرو شد و به امضای کارگران، که می خواستند حرف خود را بزنند و اطلاعات خود را مطرح کنند، تا نزد یک ساعت هشتادادام یافت. در این جلسه، طبق گزارش که روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۰ آبان ماه، نوشت، کارگران گفتند:

"در قانون اساسی جمهوری اسلامی، تأکید شده است که باید حقوق محرومین و مستضعفین و منجمله کارگران را بر جان داد."  
در جلسه گفته شد: "ما نشاندهنده هم برخی مدیران روال گذشته را طی می کنند و این به معنای انقلاب نیست."

گفته شد: "قانون کار باید به حقوق های باسحق کارگران از جمله تأمین اجتماعی رفاه کارگران و حقوق عادلانه باسحق مبتدیان، گفته شد: "ما نشاندهنده قانون کار جدید به این خواست های منطقی توجه نشده و از جمله تأمین بیمه اجتماعی را مشروط بر موافقت طرفین قرارداد دانسته است."  
اگر در قانون کار صریحاً به این حقوق اشاره نشود و اجرای آن ها از طرف کارفرمایان خواسته نشود، کارگران کارخانجات خصوصی و کارگاه های تولیدی منتهی از آن محروم خواهند ماند و مواد مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که تصریح بر اعاده حقوق کارگران دارد، اجرا نخواهد شد.

این نگه بر قانون اساسی، که بارها بارها تکرار شد، خود نشانی دیگر از آگاهی بالای کارگران و سطح عقلی آن است. در همان جلسه مواد قانون اساسی، که مربوط به حقوق مردم است، در چهارصفت تکرار گردید و از اجابت شورای مرکزی استان تهران بین چهار پختن شد. به نوشته روزنامه جمهوری اسلامی، در جلسه مهم روز چهارشنبه، کارگران گفتند:

"باید به جرات بتوان گفت که قانون کار اسلامی پس از قانون اساسی مهم ترین قانون است." و "این قانون باید به گونه ای باشد که بتواند جوابگوی همه بی عدالتی ها باشد و بتواند به عنوان یک قانون الگو برای راه مستقیم قرار گیرد."  
در مقابل حملاتی که به حقوق کارگران زیر نام "اسلام" می شد و حتی آقای توکل را از اسلام شناسی معرفی می کرد، کارگران با هشاری می گفتند: "اسلام قطب راه است، ولی از زمانیدگان کارگران، با تشخیص درست در برداشت از اسلام، گفت:

"ما هیچ بخشی نداریم که این قانون باید مورد تأیید قلبی محترمی چون آیت الله العظمی، آیت الله العظمی، شهید مطهری آیت الله العظمی و حجت الاسلام خانی شریف نجف آبادی باشد. اما مواردی که موضوع تخصصی اسلامی مطرح نیست، باید از خود کارگران نظرخواهی شود."  
جالب است که مخالف راستگرا و کارگرسیم می گویند: "ناهر، گونه روشن بینی و دفاع از انقلاب و تطبیق اهداف آن با خواست های کارگری را با چسب نوده ای" خاموشی کنند. به طوری که یک سخنران "با اشاره به وجود" (به نوشته روزنامه جمهوری اسلامی) گفت: "تا کارگران حزب اللهی حرف می زنند، فوری می گویند این حرف، حرف توده ای ها است."

غلبه بر شانزده جوارهایی که با مارکزدن و خفه کردن می خواهند در محیط های کارگری حاکم گردند، یک عنصر مهم در رویدادهای کارگری" هفته اخیر است. (معاون وزیر کار به معنای ارماع حتی گفت که من خودم آدم خانه کارگر را شخم را مسکو دیدم و کار چینی هست!) در جلسه چهارشنبه، کارگران "عصا" به وزیر کار گفتند: "باید در جمع ما و بیچید که ما کارگران چینی می گویم و به قدری داریم... کارگری گفت: "ما سرخویمان را نمی توانیم گناه بگذاریم. این یک خیال باطلی است که ما از سرمایه داران زلوفت خواهیم به شرایط عادلانه کار ایران داشته باشند (معاون وزیر کار منکر تصاد بین این دو طبقه شده و از سرمایه داران به نام "اسلام" دفاع کرد و گفت: من خود سرمایه دارانی را می شناسم که خیلی به انقلاب کمک کرده اند) این سرمایه داران زلوفت از حامیان تروریسم هستند... قانون کار باید طوری باشد که سرمایه داران و کارفرمایان نتوانند از اسبابات به سود خودشان و علیه کارگران استفاده کنند."

دامنه اعتراضات به حق کارگران علیه وزیر کار و معاونش به قدری بالا گرفت و جلسه روز چهارشنبه به قدری عبرت انگیز شد که درصدد بود، که آقای موسوی نخست وزیر لازم دانست طی مصاحبه ای، صبح روز ۲۲ آبان، موضع دولتی را جدا از مواضع گردانندگان وزارت کار - اعلام دارد و برای فرونشاندن آتش چشم کارگران (این واژه خشم کارگران در مطبوعات هفته قبل بارها به کار رفت) صراحتاً می گوید:

اولاً "وزارت کار لایحه ای به دولت پیشنهاد کرده است، ولی هنوز به آن رسیدگی نشده."  
تأیید بر برخوردی که ستولان کارگرسیم وزارت کار دارند، در مورد برخورد دولت با مسائل کارگری و قانون کار، می گوید: "بند به معنای نخست وزیر می گویند: دولت باید حامی مستضعفان جامعه و حامی کارگران و کشاورزان و کارمندان مستضعف و همه محرومان جامعه باشد و این چه چیز است که دین ما حکم می کند و روح قانون اساسی ما را تشکیل می دهد."

ثالثاً در باره خود لایحه تهیه شده توسط آقایان توکل و مستندرفاهی، پس از آن که حساب دولت را جدا کرد، تصریح نماید که: اصولاً هر لایحه ای که روح حاکم بر آن خلاف روحیه عدالت خواهانه باشد، طبیعتاً است که نمی تواند مورد قبول بکده دولت انقلابی قرار گیرد."  
و بالاخره از آنجا که سران وزارت کار و بلندکوبان آن ها مرتباً از "اسلام" و نص صریح آیات و احادیث "درباره آزادی قرارداد بستن" و امکان پذیر نبودن "تحمیل" مواد نظیر حداقل حقوق و مرخصی و بیمه و غیره به کارفرما صحبت می کنند، آقای نخست وزیر، بر عکس می گوید:

"دولت اسلامی اهرم های لازم را در این زمینه ندارد و اگر نمی توانیم بگوییم کارفرما بخش خصوصی کارگراش را بیمه کند، یا در سال چند روز مرخصی به آن بدهد و یا حداقل حقوق کارگر چه میزان باشد، ولی می توانیم به او بگوییم که اگر مرخصی دولت را در این زمینه ها (در واقع بخش قانون کاری که همه وزیران لازم را در برگیرد) اعمال نکند، نمی تواند از خدمات دولتی مثلاً از آموخه و بیرو تلقین بجاده... و از مواد اولیه ای که با این ارز به دست آمده... استفاده کند."

می بیند که حتی احتیاج به معاونین شایسته هم ندارد."  
برداشت آقای نخست وزیر، که وی آنرا به معنای دولت بیان نمود، به کلی با برداشتی که آقای وزیر کار و معاونش ارائه نمودند و در نتیجه کارگران را به خشم و اعتراض واداشتند و ناراضی های بسیار برانگیختند، تفاوت می کند. آقای نخست وزیر در مصاحبه خود درست نظر همان کارگری را تأیید می کند، که در جلسه از عدم تساوی بین کارگر و کارفرما به هنگام عقد قرارداد صحبت کرد، و درست بر عکس نظری را داد که آقای مستندرفاهی بیان داشته و متصف به تساوی دو طرف بوده و معامله کارمزد را نظیر "معامله خرید و فروش ماشین" دانسته است. آقای نخست وزیر می گوید:

"ما نمی توانیم بگذاریم که در بازار آزاد عرضه نیروی کار، که ظاهر آن است، اما در واقع شرایطاً اشرفاً روجبر بر آن حکم فرماید، کسی به ضرر دیگری سوء استفاده کند."

به این ترتیب بحث مدافع سرمایه داری، خط کارگرسیم سران وزارت کار به حدی برخواستند، که نه در شوراها اسلامی، نه در انجمن های اسلامی، نه در نشست های هماهنگی، نه در خانه کارگر، نه در دولت جمهوری اسلامی ایران، منافع و هواداری ندارند، بر عکس، بیش از پیش آشکارتر می توان نبود خط ها و روزهایی گرایش های انقلابی و خط امامی را با گرایش مخالف در این صحنه مشاهده کرد، تا حدی که برای آرام کردن کارگران ضروری افتد که حساب وزیر از حساب دولت و نخست وزیر جدا شود.

همه رقابت جریان این رویدادها را به مدت مطالعه کنند و به طور جدی به مسائل کارگری بپردازند و انگاس جریاناتی را، که ما به نقل از جراید برای جلب توجه به اهمیت آن ها و استفاده در بحث ها آورده ایم، دنبال کنند و فقط به جلسه چهارشنبه ادر "جمهوری اسلامی" روز شنبه ۲۲ آبان، به مخصوص مواد شش تا آخر آن، که مربوط به قانون کاری شود، در قضاطی مطالعه کنید و به بیان مردم بپردازند. توجه به رویدادهای کارگری و به جریان نبرد بر سر قانون کار، که بازم "خط ها" را منماز می کند، وظیفه حتمی همه رقابت است.  
باید توجه داد که اعتراضات و مخالفت های کارگران با نفع های چندم شده کارگری، در واقع دفاع از انقلاب از حملات های اساسی آن، دفاع از خط مردمی امام است، نه سردرگذاختن بر سینه نهاد امنیتی که هدفش حمایت از سرمایه داران بزرگ - این با یک مقصد انقلاب - نام دیده مانگاشتن حقوق مسلم طبقه کارگر در مواردی مسلم و بدیهی، هم چون قرارداد جمعی کار و مزد و مرخصی و بیمه و ضوابط استخدامی و اخراج، و نفسی آن کار مزد صرفه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. از آنجا که همه این اقدامات زیر نام "اسلام" صورت می گیرد، بدیهی است که مسلمانان آگاه و انقلابی بیرو خط امام نیز با چنین معرفی انحرافی و ناراضی کننده اسلام موافقت ندارند. باید.

### درباره آزادی فعالیت احزاب

در هفته های گذشته، دوتن از برجسته ترین شخصیت های مسلکی - رئیس جمهور و رئیس مجلس - سخنانی درباره آزادی فعالیت احزاب گفتند، که حائز کمال اهمیت است.  
مهم است که درباره یکی از مسائل حاد کنونی - که در ضمن یکی از اهداف انقلاب نیز به شمار می رود و چه بسا گوش می شده است که مسئله و اهمیت آن از نظر پنهان باشد، یا در برابر جدت و اهمیت سایر مسائل نادیده انگاشته شود - بالاخره یک موضع گیری آشکار به عمل می آید.

ضد امپریالیستی و رهایی بخش استفاده می نمود. قبل از آن نیز، در چهارگوشه جهان، خلق های بسیاری از این نوازل استرازیگ برای به ثمر رساندن انقلاب های رهایی بخش خود بهره گرفته بودند. خدمت لئونیدالامپریزیست در پیشگاه جهان مستعدان و نارویح مبارزات آنان درآر است، که به پیروی از سیاست اصولی حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی، دستاوردهای عظیم نظام نوین سوسیالیستی را، که برقراری توازن استرازیگ با دنیای امپریالیسم، یکی از مهم ترین آن هاست، با مهارت و فاطمیت به کار گرفته بود، سیاستی که با مرگ او - هر چند هم ضایعه های بزرگ باشد - نه در اصول آن فتنوری راه خواهد یافت و نه درست به کار گرفتن نیروی پشتیبان آن.

رسانه های گروهی امپریالیستی اکنون نیز مانند همیشه به فالگیری ششمانند و درباره سیاست شوروی پس از مرگ لئونید برزف پیشه گوئی می کنند و طبق معمول خود هر حادثه ای را با هزاران تاج و پرگ و دروغ آراسته به مورد سترویان جاهل یا معری خود می دهند، که ما سابقا نه بارتاب آن را همیشه در مطبوعات کشور خودمان می بینیم.

برای ما پیروان سوسیالیسم علمی نقش شخصیت ها در تاریخ پرورش است. می نرودید چه در درختان لئونید برزف در باروخ جهان و جنبش کارگری و کمونیستی و جنبش رهایی بخش ملت ها جاودان خواهد ماند، اما فقدان او در سیاست حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی هیچ تغییری، حتی اندک، پدید نخواهد آورد، و این خود گواه بر عظمت حزبی است که کشور را با رهبری جسی اداره می کند و دهها سیاستمدار برجسته دیگر را، چون لئونیدالامپریزیست، در دامان خود پرورده است.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در جلسه عمومی فوری العاده خود، که پس از درگذشت لئونید برزف تشکیل داد و بوری آندووف را به سمت دبیرکل حزب برگزید، اعلام کرد که بهترین تجلیل از خاطره تابان آن رهبر فیدراکوشن در اجرای تصمیماتی می داند، که حزب در گذرگاه های خود، با خرد جمعی، بررسی و تصویب نموده و با شوق کارجمعی، زیر رهبری هوشمندانه و فاطمانه لئونید برزف به مرحله اجرا درآورده و از این پس نیز آن را به یکرانه دنبال خواهد کرد.

جهانی کمونیست به یکی از بحرانی ترین ادوار تاریخ خود گام نهاده است. ترمس گذرده دنیای امپریالیسم به سرکردگی آمریکا، بر آنچه خلق های جهان طی فیضان پس از جنگ دوم با مبارزات سخت و بی امان به دست آوردند، مقیاس بی سابقه ای به خود گرفتار ساخت. امپریالیسم آمریکا می خواهد بر تمام دستاوردهایی که در سال های اخیر در زمینه تشنج دایمی، قطع مسابقه تسلیحاتی، همزیستی مسالمت آمیز همکاری بین خلق ها، برقراری توازن استرازیگ پس دنیای امپریالیسم و دنیای سوسیالیسم به دست آمده است، خط پخلان بکشد.

چند ماه آخر زندگی لئونید برزف را می توان از زیر بارترین لحظات عبات سیاسی او نامید. لئونید برزف، چنانکه در اعلامیه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به مساسبت درگذشت وی گفته می شود، نشان داد که می تواند چون سگانه، خردمندگی کشتی سیاست اتحاد شوروی را در میان دریای ملاحظه دنیای کمونی هدایت کند و از سر بیج های تند تاریخ با مهارت بگذرد. می توان با اطمینان گفت که دبیرکل جدید حزب، که خود نیز مانند لئونید برزف فرزند کار و مبارزه بوده و هست، راه ورسم او را در اجرای تصمیمات حزب به شایستگی ادامه خواهد داد. مرگ لئونید برزف، دوستان و هم زمانانش را در ادامه راه او مصمم تر خواهد نمود.

چنانچه لئونید برزف روز دوشنبه، با تمام احتراماتی که درخور این مرد بزرگ است، در میدان سرح مسکو به خاک سپرده می شود، به هنگام خاک سپاری او پنج دقیقه کار در سراسر کشور متوقف می شود. از هر اکنون گروه بزرگی از شخصیت های سیاسی و اجتماعی خارجی برای شرکت در این مراسم به مسکو وارد شده اند. سیلی از گلگرم های تسلیمت از سوی دولت مردان، سازمان های اجتماعی، احزاب کمونیستی و کارگری، احزاب و سازمان های مترقی دیگر، افراد عادی زحمتکش از سراسر جهان به سوی مسکو روان است. در بسیاری از کشورها عزای عمومی اعلام شده است. خلق های جهان بدین سان خاطره مردی

را، که تمام زندگی خود را وقف به خدمت به مردم - و منتها مردم کمونیست - کرده بود، گرامی می دارند. اثرات اهلیت لئونید برزف در مقام رهبری اتحاد شوروی سالیان دراز در صحنه بین المللی باقی خواهد ماند. وی یکی از برجسته ترین پرچم داران مبارزه در اصلح و اصیت در سراسر جهان بود.

**کنفرانس امنیت و همکاری در مادرید**

تشکیل کنفرانس امنیت و همکاری اروپا در هلنسیکی را واقعا می توان یکی از بزرگترین پیروزی های سیاست اتحاد شوروی در زمان حیات لئونید برزف دانست. در این کنفرانس، که در آن تمام کشورهای اروپایی، به اضافه ایالات متحده آمریکا و کانادا، شرکت داشتند، کشورهای سوسیالیستی موفق شدند که کشورهای امپریالیستی را به قبول اصول سیاست همزیستی مسالمت آمیز وادار سازند و این پیروزی را در اعلامیه پایانی کنفرانس هلنسیکی، به عنوان یک سند رسمی بین المللی، که امضای عالی ترین مقامات دولتی شرکت کننده نیز در میان آن گذارده شده است، تسجیل کنند. امضای این سند از سوی آن ها بدین معنا بود، که دنیای امپریالیسم به وجود دنیای نوینی، که در بطن آن پدیده آمده، رشد کرده، به پای آن رسیده و در شرف پستی گرفتن از آن است. اما هرگز سازگاری با آن نداشته است. دیگر به عنوان یک واقعیت عینی، که از آن گریزی نیست، به ناچار تن در می دهد، چیزی که تا آن روز هرگز به رسمیت شناخته و نپذیرفته بود و اکنون نیز میان دریگان - و این بزرگ بلاغت های ماجرا جوانانه و ذهن انگیزانه خود می خواهد، در - و این بزرگ برای آرایش تجدید نظر کند. یکی از شوهه های که باند رنگان - و این بزرگ برای آرایش بردن این سیاست بین دورهای خود برگزیده است، برهم زدن تشنج دایمی از طریق برانگیختن کانون های تشنج در داخل کشورهای سوسیالیستی و انقلابی و متهم کردن اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی به نقض موافقت نامه های هلنسیکی است.

هر اکنون همکاری امنیت و همکاری اروپا، که در مادرید مشغول به کار است، به صحنه این تحریکات امپریالیستی تبدیل شده است. نمایندگان ایالات متحده و کشورهای اروپای غربی هم پیمان آن می گویند، به بجای بحث اصولی و سازنده درباره حفظ صلح، تأمین امنیت در اروپا و توسعه همکاری بین آن ها، "مسئله نیستان و افغانستان" و مسائل بوج دیگری از این قبیل را مطرح کنند، و بدین سان عملا اعلامیه کنفرانس هلنسیکی را ذفن کنند و بار دیگر اروپا را به دوران "جنگ سرد" و رعبناوری بازگردانند. در کنفرانس مادرید این دوخط شی با یکدیگر در نبردند. در عین حال نمایندگان دولت های امپریالیستی، که به شدت در زیر فشار جنبش های ضد جنگ قرار دارند، قصد خود را زیر پردهای از لغافلی های عوام فریبانه می پوشانند. در کنفرانس مادرید، علاوه بر کشورهای سوسیالیستی، گروهی از کشورهای کوچک اروپایی نیز برای حفظ صلح در اروپا تلاش می کنند.

اهمیت حفظ صلح در اروپا، به مثابه قاره ای که طی صدمال اخیر تمام جنگ های بزرگ، از جمله دو جنگ جهانی، از آن جا سرچشمه گرفته است، بر کسی پوشیده نیست.

از انتشارات حزب نوده ایران  
در این هفته منتشر شد: "دوقاله درباره تسلیمات و چاپ جدید" "اساتمه" حزب